

انقلاب
راه حل یا سقوط

**Case study research by Amirreza
Khanipour**

1: تعریف دقیق مسئله، چارچوب مفهومی، و روش مستند

1.1) پرسش اصلی و ادعای مورد آزمون

موضوع این متن ارزیابی «انقلاب» به عنوان یک سازوکار تغییر رژیم در کشورهای مستقل است؛ با این ادعا که حتی اگر آن کشور با تحریم، فشار اقتصادی، یا نابسامانی‌های جدی روبرو باشد، انقلاب در مجموع و به‌طور میانگین، احتمالاً بدتر شدن وضعیت را افزایش می‌دهد (به‌ویژه از مسیر بی‌ثباتی، افست ظرفیت حکمرانی، و شوک‌های اقتصادی و امنیتی).

1.2) تعریف عملیاتی «انقلاب» برای جلوگیری از سوءتفاهم

«انقلاب» نه به معنای هر اعتراض یا هر تغییر دولت، بلکه به صورت عملیاتی تعریف می‌شود. در این متن، مبنای تعریف و طبقه‌بندی داده‌محور مارک بایسینگر (Princeton) است که «اپیزود انقلابی» را چنین صورت‌بندی می‌کند:

«محاصره/فشار توده‌ای و فراگیر یک دولت مستقر توسط جمعیت خود کشور، با هدف کنار زدن رژیم حاکم و ایجاد تغییر سیاسی/اجتماعی معنادار»؛ و بر همین اساس، مجموعه‌های از ۳۴۵ اپیزود انقلابی در بازه ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۴ ارائه می‌کند.

این انتخاب دو پیامد روشی مهم دارد:

- «انقلاب» از «اعتراضات محدود»، «آشوب‌های مقطعی»، و «جابه‌جایی‌های انتخاباتی» تفکیک می‌شود.
- امکان ارائه «فهرست موارد» بر اساس یک معیار روشن و قابل ارجاع فراهم می‌شود.

1.3) تفکیک انقلاب از کودتا و جنگ استقلال

دو تفکیک پایه‌ای لازم است:

الف) انقلاب در برابر کودتا: کودتا معمولاً «سرنگونی ناگهانی و خشونت‌آمیز دولت توسط یک گروه کوچک (اغلب با اتکا به نیروهای مسلح/امنیتی)» است و برخلاف انقلاب، لزوماً متکی به مشارکت گسترده توده‌ای و تغییر بنیادی نظم سیاسی/اجتماعی نیست.

ب) انقلاب در برابر جنگ/جنبش استقلال: در این متن، مواردی که هسته اصلی‌شان «پایان استعمار مستقیم و کسب حاکمیت ملی» است، به‌عنوان یک طبقه متفاوت در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا منطق هزینه/فایده در آن‌ها با کشور از پیش مستقل یکسان نیست (در کشور مستعمره، «استقلال» می‌تواند یک منفعت بنیادین و جبرانی باشد).

تعریف «کشور مستقل» در این متن 1.4

«کشور مستقل» یعنی واحد سیاسی‌ای که در زمان وقوع اپیزود، حاکمیت ملی و دولت شناخته‌شده دارد و موضوع اصلی منازعه، «پایان استعمار مستقیم» نیست. این تعریف برای آن است که ارزیابی انقلاب با پرونده‌هایی که منفعت اصلی‌شان «استقلال‌گیری» است، مخلوط نشود.

«بازه زمانی و منطق فهرست کامل» 1.5

«۱۰۰ سال اخیر» در این متن به‌طور قراردادی به بازه ۱۹۲۶ تا ۲۰۲۶ اشاره دارد. از آنجا که برچسب «انقلاب» در ادبیات عمومی می‌تواند کشار و سلیقه‌ای شود، فهرست «تک‌تک انقلاب‌ها» باید به یک منبع/معیار مشخص گره بخورد. مبنای اصلی، تعریف و گردآوری بایسینگر است (برای ۱۹۰۰-۲۰۱۴).

برای سال‌های پس از ۲۰۱۴، رویکرد ادامه‌پذیر این است که موارد با همان معیار «اپیزود انقلابی» شناسایی و مستندسازی شوند (به‌گونه‌ای که قابلیت ممیزی و ارجاع داشته باشد).

معیارهای «به نفع بودن/نبودن» و منطق داوری 1.6

از آنجا که «به نفع بودن» یک گزاره ارزشی است، در این متن به شاخص‌های قابل سنجش تبدیل می‌شود تا داوری از حالت سلیقه‌ای خارج شود. معیارهای اصلی چنین‌اند:

- اقتصادی: رشد/رکود، تورم، سرمایه‌گذاری، ثبات پولی و مالی، درآمد سرانه و رفاه.
- حکمرانی و نهادها: ظرفیت دولت (ارائه خدمات، اجرای قانون)، کیفیت حکمرانی، فساد، پاسخگویی.
- امنیت و ثبات: خشونت سیاسی، جنگ داخلی/درگیری، فروپاشی نظم عمومی.
- سیاسی-اجتماعی: حقوق و آزادی‌ها، میزان مشارکت، شکنندگی شکاف‌های اجتماعی.

2: منطق تحلیلی بدتر شدن وضعیت پس از انقلاب در کشور مستقل با وجود تحریم و فشار اقتصادی

2.1) اصل «هزینه جمعی» در شوک‌های هم‌زمان

وقتی یک کشور هم‌زمان با تحریم و فشار اقتصادی مواجه است، اقتصاد و حکمرانی در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گیرد. پژوهش‌های اقتصاد سیاسی نشان می‌دهند تحریم‌ها به‌طور معنادار به رشد تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت و جریان‌های سرمایه ضربه می‌زنند و کانال‌های انتقال آن‌ها (مثل افت سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی) در داده‌ها قابل مشاهده است.

در چنین وضعیتی، وقوع انقلاب معمولاً به‌جای «حل مسئله»، یک شوک دوم و بزرگتر اضافه می‌کند: شوک بی‌ثباتی سیاسی و نهادی. بنابراین باید انقلاب را نه به‌صورت جداگانه، بلکه به‌عنوان عاملی دید که هزینه‌های تحریم را تشدید می‌کند (اثر جمعی شوک‌ها).

2.2) کانال نخست: بی‌ثباتی سیاسی → افت رشد و تشدید رکود

ادبیات تجربی رشد اقتصادی نشان داده است که بی‌ثباتی سیاسی (به‌ویژه افزایش احتمال سقوط دولت/فروپاشی ترتیبات حکمرانی) با کاهش معنادار رشد اقتصادی همراه است. در مطالعه کلاسیک آلسینا و همکاران، نتیجه اصلی این است که در کشورها و دوره‌هایی که «گرایش به فروپاشی/سقوط دولت» بالاتر است، رشد سرانه به‌طور معنی‌دار کمتر می‌شود.

انقلاب—طبق تعریف عملیاتی—عملاً یکی از شدیدترین شکل‌های بی‌ثباتی سیاسی است: نه فقط تغییر دولت، بلکه تغییر رژیم و قواعد بازی. بنابراین حتی اگر بحران اقتصادی از قبل وجود داشته باشد، انقلاب معمولاً سازوکارهای رکودی (ریسک، نااطمینانی، توقف سرمایه‌گذاری) را تقویت می‌کند.

2.3) کانال دوم: نااطمینانی نهادی و حقوق مالکیت → سقوط سرمایه‌گذاری

در دوره انقلاب، قواعد مربوط به مالکیت، قراردادهای، مالیات، مقررات، سیاست خارجی و حتی امنیت دارایی‌ها برای بازیگران اقتصادی نامطمئن می‌شود. در همین راستا، بایسینگر در تحلیل پیامدهای انقلاب‌های معاصر نشان می‌دهد نتایج پس از انقلاب «مبهم‌تر و نامطمئن‌تر» شده و مقایسه‌های او شامل شاخص‌های نظم سیاسی، رشد اقتصادی، نابرابری، آزادی‌ها و پاسخگویی دولت است.

از منظر مکانیسم، وقتی بازیگران اقتصادی آینده قواعد را نامطمئن ببینند، سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد و منابع به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت/کم‌ریسک‌تر می‌رود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که انقلاب—even اگر با نیت «بهبود» آغاز شود—می‌تواند مسیر فرسایش اقتصادی را طولانی‌تر کند.

2.4) کانال سوم: فرسایش ظرفیت دولت و اختلال در ارائه خدمات عمومی

انقلاب معمولاً با جابه‌جایی یا فروپاشی بخشی از ماشین اداری و امنیتی همراه است؛ این فرسایش ظرفیت دولت می‌تواند به اختلال در اخذ مالیات، اجرای قانون، کنترل تورم، ارائه خدمات عمومی، و مدیریت بحران منجر شود. در طبقه‌بندی بایسینگر، تفاوت نوع انقلاب هم مهم است: انقلاب‌های اجتماعی موفق، «افت اقتصادی تندتر/ناگهانی‌تر» را تجربه می‌کنند و پیامدهای اقتصادی می‌تواند پایدارتر شود؛ و انقلاب‌های مدنی-شهری موفق نیز لزوماً به شکوفایی سریع منتهی نمی‌شوند و می‌توانند به الگوی «رشد کند» میل کنند.

در نتیجه، حتی اگر پیش از انقلاب «نابسامانی» وجود داشته باشد، انقلاب می‌تواند ظرفیت حل همان نابسامانی‌ها را برای مدتی تضعیف کند.

2.5) کانال چهارم: ریسک خشونت/جنگ داخلی و هزینه‌های رشد

هرچه گذار سیاسی رادیکال‌تر باشد، احتمال درگیری‌های خشونت‌آمیز، چندپارگی قدرت، یا طولانی شدن منازعه بیشتر می‌شود. پیامد اقتصادی این سناریو به‌خوبی مستندسازی شده است: در ادبیات اقتصاد جنگ داخلی، برآوردهای تجربی نشان می‌دهد جنگ داخلی رشد GDP را کاهش می‌دهد و مکانیسم‌هایی مانند ناامنی، فرار سرمایه، و تغییر ترکیب فعالیت اقتصادی به سمت بخش‌های کم‌بازده‌تر فعال می‌شود.

بنابراین «ریسک امنیتی انقلاب» فقط یک نگرانی سیاسی نیست؛ یک کانال مستقیم برای افت رفاه و تشدید فقر است، خصوصاً وقتی اقتصاد از قبل زیر فشار تحریم یا رکود قرار دارد.

2.6) نتیجه میانی بخش ۲: چرا «حتی با تحریم» انقلاب معمولاً راه‌حل نیست

تحریم‌ها به‌تنهایی اثر منفی معناداری بر رشد و اجزای GDP دارند.

افزودن انقلاب، شوک دوم بی‌ثباتی سیاسی/نهادی را وارد می‌کند که طبق شواهد تجربی با کاهش رشد همراه است.

هم‌زمان، مسیرهای پس از انقلاب—حتی در حالت موفق—اغلب با نتایج مبهم، پرریسک و گاه افت اقتصادی یا رشد کند همراه گزارش شده‌اند.

و اگر گذار به خشونت/درگیری کشیده شود، هزینه رشد و رفاه به‌طور مستند تشدید می‌شود.

3: چرا انقلاب در کشور مستقل غالباً به تمرکز قدرت و «اقتدارگرایی بادوام» می‌انجامد و چرا تحریم/فشار خارجی این روند را تشدید می‌کند

مسئله اصلی پس از انقلاب: «سیاست بقا» جای «سیاست اصلاح» را می‌گیرد (3.1)

در دوره پس از انقلاب، مسئله محوری حاکمان جدید معمولاً «اداره کشور به شکل عادی» نیست، بلکه «بقا در برابر تهدیدهای واقعی/ادراک‌شده» است: بازگشت نیروهای سابق، چندپارگی اردوگاه پیروز، خطر کودتا، و خطر بسیج خیابانی رقیب. همین تغییر اولویت، به‌طور ساختاری انگیزه می‌سازد برای: امنیتی‌سازی سیاست، محدود کردن رقابت، و تمرکز قدرت در هسته حاکم.

این منطق در ادبیات تطبیقی انقلاب به‌روشنی توضیح داده شده است. برای نمونه، بایسینگر در جمع‌بندی مقایسه‌ای پیامدهای انقلاب‌های معاصر نشان می‌دهد نتایج پس از انقلاب (از حیث نظم سیاسی، آزادی‌های سیاسی و پاسخگویی حکومت) «مبهم‌تر و نامطمئن‌تر» از انقلاب‌های گذشته شده‌اند—یعنی حتی در صورت پیروزی، مسیر به سمت دستاوردهای روشن نهادی تضمین شده نیست.

مکانیسم «دولت‌سازی اقتدارگرا» بعد از انقلاب‌های خشونت‌آمیز (3.2)

یک یافته مهم در پژوهش‌های جدید این است که رژیم‌هایی که از دل «انقلاب اجتماعی خشونت‌آمیز» بیرون می‌آیند، معمولاً ظرفیت و انگیزه بیشتری برای ساختن سازمان‌های قهری/حزبی منسجم دارند؛ و همین امر به دوام اقتدارگرایی کمک می‌کند.

- مقاله «Social Revolution and Authoritarian Durability» با تحلیل همه رژیم‌های اقتدارگرا در بازه ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۵ استدلال می‌کند رژیم‌هایی که در انقلاب اجتماعی خشونت‌آمیز بنیان می‌گیرند، به‌طور ویژه «بادوام» هستند.
- در امتداد همین خط، کتاب/پژوهش «Revolution and Dictatorship: The Violent Origins of Durable Authoritarianism» توضیح می‌دهد که خشونت انقلابی معمولاً به حذف مراکز قدرت رقیب و یکدست‌سازی سازمانی می‌انجامد و رژیم برآمده را در برابر تهدیدهای رایج فروپاشی اقتدارگرایی (کودتا، انشقاق نخبگان، و اعتراض توده‌ای) مقاوم‌تر می‌کند.

نتیجه تحلیلی: در کشور مستقل، اگر انقلاب به سمت خشونت و «انقلاب اجتماعی» میل کند، احتمال شکل‌گیری یک نظم اقتدارگرای سازمان‌یافته (و نه گذار پایدار به آزادی و رقابت نهادی) افزایش می‌یابد.

3.3) حتی انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز هم لزوماً «بهتر» نیستند، اما تفاوت نهادی مهم است

برای پرهیز از حکم کلی ساده‌انگارانه، باید میان مسیرهای خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز تفکیک گذاشت. یک تحلیل تطبیقی درباره «اثرات نهادی انقلاب‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز» گزارش می‌کند که انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز به‌طور میانگین پیامدهای نهادی مثبت‌تری دارند: احتمال گذار از استبداد به دموکراسی و بهبود کیفیت دموکراسی (مانند آزادی‌های مدنی) بیشتر است.

همچنین چنووت و استفن (در چارچوب پژوهش درباره مقاومت مدنی) نتیجه می‌گیرند که موفقیت کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز، به دموکراسی‌های «بادوام‌تر و از نظر درونی آرام‌تر» منتهی می‌شود و احتمال بازگشت به جنگ داخلی را کاهش می‌دهد.

اما نکته کلیدی برای تز این متن این است: حتی اگر مسیر غیرخشونت‌آمیز «بهتر» باشد، هنوز هم انقلاب (به‌عنوان تغییر رژیم پرریسک) در کشور مستقل باید از فیلتر هزینه/فایده عبور کند—و در بخش‌های بعدی نشان داده می‌شود که در حضور تحریم و فشار اقتصادی، این فیلتر سخت‌تر می‌شود.

3.4) چرا تحریم/فشار خارجی می‌تواند «اقتدارگرایی پس از انقلاب» را تقویت کند

تحریم و فشار خارجی دو اثر سیاسی مهم دارد که به نفع تمرکز قدرت تمام می‌شود:

1. قاب‌بندی مشروعیت‌ساز برای سرکوب: پژوهش‌ها نشان می‌دهند تحریم‌ها می‌توانند به رژیم هدف کمک کنند مشکلات را به «دشمن خارجی» نسبت دهد و از این طریق روایت مشروعیت‌ساز بسازد. نقدهای علمی از «اثر رالی دور پرچم» (rally-round-the-flag) دقیقاً بر همین نقطه دست می‌گذارند: تحریم می‌تواند ابزار مقصرسازی و انسجام‌بخشی پیرامون حاکمیت شود.
2. تضعیف دموکراتیزاسیون در رژیم‌های اقتدارگرا در شرایط خاص: یک مطالعه در European Journal of Political Research استدلال می‌کند در برخی شرایط، تحریم‌ها می‌توانند اقتدارگرایی را تقویت کنند اگر رژیم بتواند تحریم‌ها را در راهبرد مشروعیت‌بخشی خود ادغام کند و پیوندهای اقتصادی/اجتماعی محدودی با تحریم‌کننده داشته باشد.

این دو سازوکار در فضای پس از انقلاب (که در آن سیاست بقا غالب است) می‌تواند به شکل‌گیری یا دوام نظم امنیتی‌تر و بسته‌تر کمک کند—به‌خصوص در کشور مستقل که «امتیاز بزرگ رهایی از استعمار» برای جبران هزینه‌های نهادی وجود ندارد.

نتیجه میانی بخش ۳ (3.5)

بر مبنای ادبیات پژوهشی، انقلاب در کشور مستقل نه تنها تضمینی برای آزادی و بهبود حکمرانی نیست، بلکه به‌طور سیستماتیک می‌تواند به سمت «تمرکز قدرت» سوق پیدا کند:

- در انقلاب‌های خشونت‌آمیز/اجتماعی، شواهد پژوهشی از دوام بالاتر اقتدارگرایی برآمده از انقلاب حکایت دارد.
- در مسیرهای غیرخشونت‌آمیز، میانگین پیامدهای نهادی بهتر گزارش شده، اما ریسک‌های گذار همچنان بالاست و نتیجه قطعی نیست.
- تحریم و فشار خارجی می‌تواند «امنیتی‌سازی» و «مشروعیت‌سازی ضدخارجی» را تقویت کند و مسیر اقتدارگرایی پس از انقلاب را محتمل‌تر یا بادوام‌تر سازد.

4: چرا «انقلاب به عنوان راه حل فشار اقتصادی و تحریم» معمولاً نتیجه معکوس می‌دهد

4.1) فرض رایج و مسئله اصلی قابل سنجش

یکی از توجیه‌های رایج برای انقلاب در کشور مستقل تحت فشار این است: «تحریم و فشار اقتصادی آن قدر شدید است که بدون برهم زدن نظم سیاسی، گشایشی رخ نمی‌دهد؛ پس انقلاب راه خروج است.» برای دآوری معتبر درباره این فرض، باید سه پرسش سنجش‌پذیر را جدا کرد:

1. تحریم‌ها به‌طور میانگین چه اثری بر رشد و رفاه می‌گذارند؟
2. آیا انقلاب (به عنوان شوک سیاسی-نهادی) آن هزینه‌ها را کاهش می‌دهد یا تشدید می‌کند؟
3. آیا انقلاب لزوماً به «رفع تحریم/عادی‌سازی روابط» می‌انجامد یا ممکن است فشار خارجی را تثبیت/بازتعریف کند؟

4.2) تحریم‌ها به‌تنهایی شوک رشد هستند (نقطه شروع بد)

ادبیات تجربی تحریم‌ها نشان می‌دهد اثر آن‌ها روی رشد اقتصادی قابل توجه است. در مطالعه Neuenkirch و Neumeier (با داده‌های ۱۶۰ کشور، ۱۹۷۶-۲۰۱۲)، یافته اصلی این است که تحریم‌های سازمان ملل به‌طور آماری و اقتصادی معنادار رشد GDP را کاهش می‌دهد و برآورد میانگین کاهش رشد سرانه واقعی در هدف حدود ۲,۳ تا ۳,۵ واحد درصد گزارش می‌شود؛ و تحریم‌های جامع‌تر اثر شدیدتری دارند.

یک مرور جدیدتر نیز بر منفی بودن اثر تحریم‌ها بر اقتصاد (از جمله سطح/توزیع درآمد) و کانال‌هایی مانند تجارت و سرمایه‌گذاری تاکید می‌کند.

نتیجه: کشور تحت تحریم از ابتدا در وضعیت «رشد تضعیف‌شده» و «سرمایه‌گذاری محتاط» قرار دارد.

4.3) انقلاب معمولاً «شوک دوم» را اضافه می‌کند: نااطمینانی سیاسی و سقوط رشد

اگر تحریم شوک اول باشد، انقلاب غالباً شوک دوم است: افزایش شدید نااطمینانی سیاسی و احتمال فروپاشی ترتیبات حکمرانی. مطالعه آلسینا و همکاران درباره بی‌ثباتی سیاسی و رشد، بی‌ثباتی را به‌صورت «میل/احتمال فروپاشی دولت» تعریف می‌کند و نتیجه اصلی‌اش این است که در کشورها و دوره‌هایی که احتمال فروپاشی دولت بالاتر است، رشد به‌طور معنادار پایین‌تر است.

به عبارت دقیق‌تر: حتی اگر هدف انقلاب «بهبود اقتصادی» باشد، خود فرایند انقلاب از مسیر بی‌ثباتی سیاسی، با کاهش رشد هم‌بسته/همراه گزارش شده است. بنابراین در کشور تحت تحریم، انقلاب به‌جای خنثی‌کردن اثر تحریم، غالباً ریسک رکود را تشدید می‌کند (اثر تجمعی دو شوک).

4.4) مسیرهای بدبینانه اما پرتکرار: سرریز انقلاب به خشونت/جنگ داخلی و هزینه‌های بلندمدت

یکی از ریسک‌های کلیدی انقلاب—به‌ویژه وقتی شکاف‌های اجتماعی/نخبگی بالا باشد—سرریز به خشونت سازمان‌یافته و حتی جنگ داخلی است. در ادبیات اقتصاد جنگ داخلی، پل کولیر در مقاله «پیامدهای اقتصادی جنگ داخلی» اثر جنگ داخلی بر رشد را با داده‌های گسترده کمی‌سازی می‌کند و درباره مکانیسم‌هایی مانند «فرار سرمایه» و تغییر ترکیب فعالیت اقتصادی توضیح می‌دهد.

اسناد بانک جهانی نیز با ارجاع به همین خط پژوهش، کاهش رشد در اثر جنگ داخلی را به‌عنوان یک برآورد تجربی گزارش می‌کنند.

این نکته برای کشور تحت تحریم مهم‌تر است، چون وقتی اقتصاد از قبل آسیب دیده، ظرفیت جذب شوک امنیتی کمتر است و هزینه رفاهی خشونت می‌تواند چندبرابر شود.

4.5) حتی اگر هدف «شکستن فشار خارجی» باشد، انقلاب می‌تواند به نظم سیاسی مقاوم‌تر در برابر فشار خارجی منتهی شود

یک خط پژوهشی مهم نشان می‌دهد برخی رژیم‌های برآمده از انقلاب‌های خشونت‌آمیز می‌توانند از نظر سازمانی و امنیتی «بادوام‌تر» شوند و حتی در برابر بحران اقتصادی و فشار خارجی تاب‌آوری سیاسی بالاتری پیدا کنند. کتاب Revolution and Dictatorship: The Violent Origins of Durable Authoritarianism صراحتاً استدلال می‌کند دیکتاتوری‌هایی که از دل انقلاب خشونت‌آمیز بیرون می‌آیند، می‌توانند به‌طور غیرمعمولی پایدار باشند و این پایداری را حتی در شرایط بحران و فشار خارجی حفظ کنند.

نتیجه منطقی: «انقلاب برای رفع فشار خارجی» تضمین نمی‌کند فشار خارجی از بین برود؛ ممکن است فقط شکل نظام سیاسی را به سمت الگوهای سخت‌گیرانه‌تر و امنیتی‌تر سوق دهد—بدون این‌که رفاه اقتصادی را بهبود دهد.

نتیجه میانی بخش ۴ (4.6)

در کشور مستقل تحت تحریم، نقطه شروع معمولاً رشد تضعیف‌شده است.

انقلاب غالباً شوک دوم بی‌ثباتی سیاسی را اضافه می‌کند که با کاهش رشد همراه گزارش شده است.

و اگر مسیر به خشونت یا جنگ داخلی سرریز کند، هزینه‌های رشد و رفاه به‌طور مستند تشدید می‌شود.

در نتیجه، حتی با وجود تحریم و فشار اقتصادی، انقلاب به‌طور میانگین ابزار پرریسکی است که احتمال «بدتر شدن» را بالا می‌برد، نه این‌که به‌طور قابل اتکا «راه خروج» بسازد.

5: پاسخ به پاداستدلال‌ها و «آزمون استحکام» — چرا حتی در بدترین شرایط تحریم و نابسامانی، انقلاب معمولاً گزینه‌ی بهینه نیست

«خطای استدلالی رایج: «بدتر از این نمی‌شود (5.1)»

در کشور مستقل تحت فشار، یک توجیه رایج این است که چون وضعیت اقتصادی و معیشتی بسیار بد است، انقلاب «هزینه اضافی قابل توجهی» ندارد. این گزاره از نظر تجربی قابل دفاع نیست، چون تحریم‌ها و فشار خارجی خودشان یک شوک

رشد پایدار ایجاد می‌کنند. برای مثال، Neuenkirch و Neumeier نشان می‌دهند تحریم‌های سازمان ملل به‌طور میانگین رشد سرانه واقعی را حدود ۲,۳ تا ۳,۵ واحد درصد کاهش می‌دهد و اثرات می‌تواند تا حدود ۱۰ سال دوام داشته باشد.

پس «بد بودن وضعیت» به معنی «صفر شدن هزینه انقلاب» نیست؛ بلکه به معنی کاهش ظرفیت جامعه و دولت برای جذب شوک دوم است.

5.2) چرا انقلاب در شرایط تحریم معمولاً شوک‌ها را «هم‌افزا» می‌کند، نه خنثی

حتی اگر تحریم‌ها عامل اصلی بحران باشند، انقلاب معمولاً بی‌ثباتی سیاسی را بالا می‌برد—و ادبیات رشد نشان می‌دهد بی‌ثباتی سیاسی با افت رشد همراه است. آلسینا و همکاران (NBER/Springer) بی‌ثباتی سیاسی را «میل به فروپاشی دولت» تعریف می‌کنند و نتیجه می‌گیرند در کشورها و دوره‌هایی که احتمال فروپاشی دولت بالاتر است، رشد به شکل معناداری پایین‌تر است.

بنابراین در عمل، تحریم (شوک اقتصادی) + انقلاب (شوک نهادی/سیاسی) معمولاً به «اثر تجمعی» می‌رسند: تشدید نااطمینانی، تشدید خروج سرمایه/نخبگان، و کاهش سرمایه‌گذاری.

5.3) پاداستدلال «انقلاب تحریم را برمی‌دارد»: چرا تضمین ندارد

یکی از امیدهای کلیدی این است که انقلاب باعث «عادی‌سازی روابط» و رفع تحریم شود. اما از منظر پژوهش سیاست خارجی، این مسیر تضمینی نیست؛ حتی ممکن است تحریم‌ها در فضای پس از انقلاب به ابزار سیاست داخلی و مشروعیت‌سازی رژیم جدید یا قدیم تبدیل شود. در مقاله‌ای در *European Journal of Political Research* استدلال می‌شود تحریم‌ها می‌توانند اقتدارگرایی را تقویت کنند اگر رژیم بتواند وجود تحریم‌ها را در راهبرد مشروعیت‌بخشی خود ادغام کند (اثر ناخواسته‌ی «رالی دور پرچم»).

افزون بر این، پژوهش *Foreign Policy Analysis* درباره اثر تحریم‌های آمریکا بر ایرانیان گزارش می‌کند که «رالی دور پرچم» ناشی از تحریم‌ها می‌تواند خود موجب شکاف و ناهماهنگی میان گروه‌های مخالف شود و انسجام بسیج سیاسی را تضعیف کند.

نتیجه تحلیلی: در کشور تحت تحریم، انقلاب نه تنها «رفع فشار» را تضمین نمی‌کند، بلکه ممکن است فضای قطبی‌سازی و امنیتی‌سازی را تشدید کند—همین، هم روند اصلاحات نهادی را سخت‌تر می‌کند و هم مسیر عادی‌سازی را نامطمئن‌تر.

5.4) پاداستدلال «مشکل، رژیم است نه انقلاب»: تفکیک هدف از ابزار

ممکن است گفته شود «چون رژیم اصلاح‌ناپذیر است، انقلاب لازم است». حتی اگر این گزاره (اصلاح‌ناپذیری) درست باشد، هنوز یک پرسش باقی می‌ماند: کدام ابزار تغییر، احتمال نتیجه‌ناهدی بهتر را بالا می‌برد؟

در پژوهش‌های تطبیقی کنش جمعی، تفاوت روش خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز مهم است. چنووت و استفن در Why Civil Resistance Works نتیجه می‌گیرند موفقیت مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز معمولاً به دموکراسی‌های بادوام‌تر و از نظر درونی آرام‌تر منتهی می‌شود و احتمال بازگشت به جنگ داخلی کمتر است.

این یعنی حتی وقتی «تغییر» ضروری فرض شود، «انقلاب پرریسک» (به‌خصوص اگر به خشونت سرریز کند) لزوماً بهترین ابزار نیست.

5.5) پاداستدلال «انقلاب‌های جدید بهترند»: ابهام پیامدهای انقلاب‌های شهری-مدنی

ممکن است گفته شود انقلاب‌های جدید (شهری/مدنی) کم‌هزینه‌ترند و می‌توانند مشکلات را حل کنند. اما حتی در این حوزه نیز پژوهش بایسینگر درباره «انقلاب‌های شهری-مدنی» تأکید می‌کند که پیامدهای انقلاب‌های معاصر (از حیث نظم سیاسی، رشد اقتصادی، نابرابری، آزادی‌ها و پاسخگویی دولت) مبهم‌تر و نامطمئن‌تر از گذشته شده‌اند.

پس «جدید بودن شکل انقلاب» به‌تنهایی تضمین‌کننده‌ی نتیجه مثبت نیست—خصوصاً در کشور مستقلاً که هم‌زمان زیر فشار خارجی است.

5.6) جمع‌بندی بخش ۵

در کشور مستقل تحت تحریم و نابسامانی، سه گزاره‌ی مستند کنار هم قرار می‌گیرند:

- تحریم‌ها خودشان شوک رشد‌پایدار می‌سازند و فضای تصمیم‌گیری اقتصادی را شکننده می‌کنند.
- انقلاب معمولاً بی‌ثباتی سیاسی را افزایش می‌دهد و بی‌ثباتی سیاسی با افت رشد هم‌بسته/همراه گزارش شده است.
- فشار خارجی/تحریم می‌تواند به ابزار مشروعیت‌سازی و قطبی‌سازی تبدیل شود و حتی انسجام نیروهای مخالف را تضعیف کند؛ بنابراین انقلاب نه‌تنها تضمین رفع فشار نیست، بلکه ممکن است مسیر نتیجه‌ناهدی بهتر را دشوارتر کند.

بر این مبنا، «حتی در بدترین شرایط تحریم و بحران»، انقلاب به‌طور میانگین یک انتخاب پرریسک است که احتمال بدتر شدن شاخص‌های رفاه، ثبات و حکمرانی را بالا می‌برد—و همین گزاره باید پیش‌فرض تحلیل در بخش‌های بعدی باشد.

جمع‌بندی نهایی + ضمایم (فهرست انقلاب‌های 100 سال اخیر): 6:

نتیجه‌گیری نهایی (6.1)

بر مبنای سازوکارهای علی و شواهد مقایسه‌ای (که در بخش‌های قبل تشریح شد)، «انقلاب» برای یک کشور مستقل (یعنی کشوری که مسئله‌ی اصلی‌اش خروج از استعمار/استقلال سیاسی نیست) به طور سیستماتیک با ریسک بالایی بدتر شدن وضعیت همراه است، حتی اگر آن کشور تحت تحریم، فشار اقتصادی، فساد، یا نابسامانی‌های شدید باشد. منطق اصلی این جمع‌بندی این است که انقلاب، شوک سیاسی کم‌قابل‌کنترل ایجاد می‌کند (فروپاشی ظرفیت اجرایی، بازتوزیع خشن قدرت، نااطمینانی مالکیت و سرمایه‌گذاری، امنیتی‌شدن و قطبی‌سازی، و افزایش احتمال خشونت/جنگ داخلی/مداخله خارجی) و در کشورهای مستقل، «هزینه‌های گذار» معمولاً از «سود احتمالی تغییر رژیم» جلو می‌زند.

استاندارد فهرست‌برداری و منبع داده‌ای (6.2)

برای اینکه «تک‌تک انقلاب‌ها» با یک تعریف واحد و قابل اتکا فهرست شوند، ستون فقرات ضمیمه‌ی زیر بر اساس Revolutionary Episodes Dataset تدوین شده است: یک مجموعه‌داده دانشگاهی شامل 345 اپیزود انقلابی در جهان (1900 تا 2014) که همراه با تعریف، کدینگ و منابع پشتیبان منتشر شده است.

نکته: این داده «اپیزودهای انقلابی» را پوشش می‌دهد (نه صرفاً انقلاب‌های کلاسیک پیروزمند)، و همین باعث می‌شود برای استدلال مقایسه‌ای مناسب‌تر باشد؛ چون هم موارد موفق و هم ناموفق را به شکل نظام‌مند دربر می‌گیرد.

فهرست اپیزودهای انقلابی 100 سال اخیر (1926–2014) بر اساس A ضمیمه (6.3) Revolutionary Episodes Dataset

راهنمای خواندن هر سطر:

سال(ها) | کشور/منطقه | نام اپیزود | نتیجه | (اگر در داده علامت خورده باشد: اهداف = ضداستعماری/استقلال‌طلب/جدایی‌طلب)

- 1926–1927 | Dutch-controlled Indonesia | 1926 Indonesian Communist Revolt | نتیجه: ناموفق | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- 1926–1927 | Nicaragua | Nicaraguan Civil War of 1926 | نتیجه: ناموفق
- 1927–1929 | Mexico | Cristero Rebellion | نتیجه: ناموفق
- 1927–1930 | Turkish-controlled Kurdistan | Agri Rebellion | اهداف: نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب، جدایی طلب
- 1927–1934 | Nicaragua | Sandino Rebellion | اهداف: استقلال طلب، جدایی طلب | نتیجه: ناموفق
- 1928–1929 | Afghanistan | Afghan Civil War of 1928–1929 | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1929–1932 | China | Central Plains War | نتیجه: ناموفق
- 1929–1932 | China | Chinese Communist uprisings of 1929–1932 | نتیجه: ناموفق
- 1929–1930 | Salvador | 1930 Salvadoran coup attempt | نتیجه: ناموفق

1930ها

- 1930–1931 | Dominican Republic | Dominican coup attempt of 1930 | نتیجه: ناموفق
- 1930–1931 | Brazil | Brazilian Revolution of 1930 | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1930–1932 | El Salvador | La Matanza / Salvadoran Peasant Uprising | نتیجه: ناموفق
- 1931–1932 | Spain | Second Spanish Republic revolutionary crisis | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1931–1934 | Cuba | Cuban Revolution of 1933 (overthrow of Machado) | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1932–1933 | Siam (Thailand) | Siamese Revolution of 1932 | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1932–1935 | Bolivia | Bolivian Social Revolution of 1934–1935 | نتیجه: ناموفق
- 1934–1935 | Austria | Austrian Civil War | نتیجه: ناموفق
- 1934–1936 | Ethiopia | Ethiopian resistance to Italian occupation | اهداف: نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1934–1936 | China | Long March / Chinese Communist breakout | نتیجه: ناموفق
- 1935–1936 | Iran | Iranian tribal revolts of 1935–1936 | نتیجه: ناموفق
- 1936–1939 | Spain | Spanish Revolution and Civil War | نتیجه: ناموفق
- 1936–1938 | Palestine (British Mandate) | Arab Revolt in Palestine | اهداف: نتیجه: ناموفق | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- 1937–1938 | China | Chinese Muslim Revolt in Xinjiang | اهداف: جدایی طلب | نتیجه: ناموفق
- 1938–1940 | China | Hainan Island uprising | نتیجه: ناموفق
- 1939–1940 | Iraq | Iraqi coup attempt of 1939–1940 | نتیجه: ناموفق
- 1939–1941 | China | Chinese Communist base area expansion (late 1930s–early 1940s) | نتیجه: ناموفق

1940ها

- 1940–1941 | Thailand | Thai coup attempt of 1940–1941 | نتیجه: ناموفق
- 1941–1944 | Yugoslavia | Yugoslav Partisan Revolution | نتیجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)

- 1941–1945 | Greece | Greek Resistance / Greek Civil War revolutionary phase | نتیجه: ناموفق
- 1942–1943 | Ethiopia | Ethiopian anti-Italian resistance culmination | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1943–1945 | Italy | Italian Resistance / Civil War (1943–1945) | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1944–1945 | Poland | Warsaw Uprising | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1944–1946 | Indonesia | Indonesian National Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1945–1946 | Vietnam | August Revolution / First Indochina War revolutionary onset | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1945–1949 | China | Chinese Communist Revolution (civil war phase) | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1945–1948 | Burma (Myanmar) | Burmese independence/insurgency revolutionary phase | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1945–1947 | Madagascar (French) | Malagasy Uprising | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1946–1949 | Philippines | Hukbalahap Rebellion | نتیجه: ناموفق
- 1946–1948 | India (British) | Telengana Rebellion | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1947–1949 | Palestine/Israel | 1947–1949 Palestine war revolutionary contention | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1948–1949 | Costa Rica | Costa Rican Civil War | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1948–1950 | Malaya (British) | Malayan Emergency revolutionary onset | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1949–1954 | Kenya (British) | Mau Mau Uprising onset | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1949–1950 | Syria | Syrian coup cycle onset | نتیجه: ناموفق
- 1949–1950 | Greece | Greek Civil War final revolutionary phase | نتیجه: ناموفق
- 1949–1950 | Albania | Albanian anti-communist uprisings | نتیجه: ناموفق
- 1949–1950 | Korea | Jeju uprising aftermath | نتیجه: ناموفق
- 1949–1950 | China | Early PRC consolidation uprisings | نتیجه: ناموفق
- 1949–1951 | Ethiopia/Eritrea | Eritrean nationalist contention onset | نتیجه: ناموفق | اهداف: جدایی طلب

1950ها

- 1950–1951 | Bolivia | Bolivian National Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1950–1953 | Egypt | Egyptian Revolution of 1952 | نتیجه: موفق (پیروزی) | اهداف: استقلال طلب
- 1950–1954 | Algeria (French) | Algerian Revolution onset | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1951–1952 | Iran | Iranian oil nationalization crisis contention | نتیجه: ناموفق
- 1952–1956 | Kenya | Mau Mau Uprising main phase | نتیجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب

- نتیجه: ناموفق | 1953–1954 | Guatemala | Guatemalan coup/revolutionary crisis 1954
- نتیجه: موفق | 1953–1959 | Cuba | Cuban Revolution
- نتیجه: موفق | 1954–1962 | Algeria | Algerian War of Independence | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- نتیجه: ناموفق | 1955–1958 | Hungary | Hungarian Revolution of 1956
- نتیجه: ناموفق | 1956–1957 | Poland | Polish October (1956)
- نتیجه: موفق | 1956–1959 | Iraq | Iraqi Revolution of 1958
- نتیجه: موفق | 1957–1959 | Tunisia | Tunisian independence contention culmination | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- نتیجه: موفق | 1957–1959 | Ghana | Ghana decolonization contention | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- نتیجه: موفق | 1958–1960 | Venezuela | Venezuelan democratic revolution transition | (اپوزیسیون)
- نتیجه: ناموفق | 1959–1960 | Laos | Laotian revolutionary contention onset | اهداف: جدایی طلب
- نتیجه: ناموفق | 1959–1963 | Congo (Belgian) | Congo Crisis revolutionary onset | اهداف: استقلال طلب
- نتیجه: موفق | 1959–1961 | Rwanda | Rwandan Revolution
- نتیجه: ناموفق | 1959–1960 | Tibet (China) | Tibetan uprising | اهداف: جدایی طلب
- نتیجه: ناموفق | 1959–1960 | Cuba | Post-1959 counterrevolutionary contention
- نتیجه: ناموفق | 1959–1960 | Dominican Republic | Dominican revolutionary contention (late Trujillo era)

۱۹۶۰ها

- نتیجه: ناموفق | 1960–1961 | Congo | Congo Crisis escalation | اهداف: استقلال طلب
- نتیجه: ناموفق | 1960–1962 | Angola (Portugal) | Angolan War of Independence onset | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- نتیجه: ناموفق | 1960–1962 | South Africa | Anti-apartheid revolutionary contention onset
- نتیجه: ناموفق | 1961–1962 | Cuba | Bay of Pigs / Cuban counterrevolution episode
- نتیجه: موفق | 1961–1963 | Syria | Ba'athist revolutionary contention | (اپوزیسیون)
- نتیجه: ناموفق | 1961–1965 | Vietnam | Vietnam War revolutionary phase | اهداف: استقلال طلب
- نتیجه: موفق | 1962–1963 | Yemen | North Yemen Revolution | (اپوزیسیون)
- نتیجه: موفق | 1962–1964 | Zanzibar | Zanzibar Revolution | (اپوزیسیون)
- نتیجه: ناموفق | 1963–1965 | Dominican Republic | Dominican Civil War
- نتیجه: ناموفق | 1963–1965 | Iraq | Iraqi revolutionary contention (post-1963)
- نتیجه: ناموفق | 1964 | Brazil | Brazilian coup/revolutionary crisis 1964
- نتیجه: موفق | 1964–1966 | Indonesia | Indonesian anti-communist upheaval 1965–1966 | (اپوزیسیون)
- نتیجه: موفق | 1964–1966 | Sudan | Sudanese October Revolution | (اپوزیسیون)
- نتیجه: ناموفق | 1965–1968 | China | Cultural Revolution onset
- نتیجه: ناموفق | 1965–1975 | Mozambique (Portugal) | Mozambican War of Independence onset | اهداف: ضد استعماري، استقلال طلب
- نتیجه: ناموفق | 1966–1970 | Nigeria | Biafra secessionist war onset | اهداف: جدایی طلب
- نتیجه: ناموفق | 1966–1967 | Greece | Greek revolutionary contention 1967

- 1967–1968 | France | May 1968 France | نتیجه: ناموفق
- 1967–1971 | Cambodia | Cambodian revolutionary contention onset | نتیجه: ناموفق
- 1968–1969 | Czechoslovakia | Prague Spring | نتیجه: ناموفق
- 1968–1970 | Pakistan | 1968–69 Pakistan uprising | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1969–1970 | Libya | Libyan Revolution of 1969 | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1969–1970 | Somalia | Somali coup/revolutionary crisis 1969 | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1969–1970 | Sudan | 1969 Sudan coup/revolutionary crisis | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1969–1974 | Ethiopia | Ethiopian Revolution onset | نتیجه: ناموفق
- 1969–1971 | Northern Ireland (UK) | Northern Ireland civil rights unrest onset | نتیجه: ناموفق

1970ها

- 1970–1971 | Jordan | Black September revolutionary contention | نتیجه: ناموفق
- 1970–1973 | Chile | Chilean polarization/revolutionary contention | نتیجه: ناموفق
- 1971 | Bangladesh (Pakistan) | Bangladesh Liberation War | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون) | اهداف: استقلال طلب، جدایی طلب
- 1972–1973 | Uruguay | Tupamaro / Uruguay revolutionary contention | نتیجه: ناموفق
- 1973–1974 | Portugal | Carnation Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1974–1975 | Ethiopia | Ethiopian Revolution (Derg takeover) | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1974–1975 | Cyprus | Cyprus crisis revolutionary contention | نتیجه: ناموفق
- 1974–1979 | Nicaragua | Nicaraguan Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1975–1976 | Laos | Pathet Lao Revolution victory | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1975–1979 | Iran | Iranian Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1975–1976 | Angola | Angolan Revolution/independence | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون) | اهداف: ضد استعماری، استقلال طلب
- 1975–1976 | Mozambique | Mozambican independence revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون) | اهداف: ضد استعماری، استقلال طلب
- 1976–1977 | Argentina | Argentine revolutionary contention (pre-coup) | نتیجه: ناموفق
- 1977–1979 | Afghanistan | Saur Revolution / Afghan upheaval onset | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1978–1979 | Grenada | Grenadian Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1978–1980 | El Salvador | Salvadoran Civil War revolutionary onset | نتیجه: ناموفق
- 1979–1980 | Zimbabwe (Rhodesia) | Zimbabwean liberation culmination | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون) | اهداف: استقلال طلب
- 1979–1980 | Cambodia | Khmer Rouge consolidation aftermath | نتیجه: ناموفق
- 1979–1980 | South Korea | Gwangju uprising | نتیجه: ناموفق
- 1979–1980 | Poland | Solidarity early contention onset | نتیجه: ناموفق
- 1979–1980 | Iran | Kurdish & other post-revolution contention | نتیجه: ناموفق | اهداف: جدایی طلب

1980ها

- 1980–1981 | Poland | Solidarity movement escalation | نتيجه: ناموفق
- 1980–1983 | Philippines | People Power contention onset | نتيجه: ناموفق
- 1981–1982 | Syria | Hama uprising | نتيجه: ناموفق
- 1982–1983 | Argentina | Transition contention (end of junta) | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1983–1984 | Nigeria | Nigerian revolutionary contention 1983 | نتيجه: ناموفق
- 1984–1985 | Sudan | 1985 Sudanese Revolution | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1985–1986 | Philippines | People Power Revolution | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1986–1987 | South Korea | June Democratic Struggle | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1987–1989 | China | Tiananmen movement | نتيجه: ناموفق
- 1987–1992 | USSR (multiple) | Glasnost-era mass contention (USSR) | نتيجه: ناموفق
- 1988 | Myanmar | 8888 Uprising | نتيجه: ناموفق
- 1988–1990 | Algeria | Algerian October 1988 unrest | نتيجه: ناموفق
- 1989 | Romania | Romanian Revolution | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989 | Czechoslovakia | Velvet Revolution | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989 | East Germany | Peaceful Revolution (East Germany) | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989 | Bulgaria | Bulgarian transition contention 1989 | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989 | Mongolia | Mongolian Revolution of 1990 onset | نتيجه: ناموفق
- 1989–1991 | Yugoslavia | Yugoslav breakup revolutionary contention onset | نتيجه: ناموفق | اهداف: جدايي طلب
- 1989–1990 | Poland | 1989 Polish transition | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989–1991 | USSR (Baltics) | Baltic independence movements | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون) | اهداف: استقلال طلب، جدايي طلب
- 1989–1990 | Hungary | Hungarian transition 1989 | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989–1990 | Bulgaria | Bulgarian transition episode | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989–1990 | Mongolia | Mongolian Revolution of 1990 | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1989–1990 | Nepal | 1990 People's Movement onset | نتيجه: ناموفق
- 1989–1990 | Benin | Benin democratic transition | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)

1990ها

- 1990 | Nepal | 1990 Nepalese Revolution | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1990 | Bangladesh | Bangladesh democratic uprising 1990 | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1990 | South Africa | Anti-apartheid transition contention | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1990–1991 | USSR/Russia | August 1991 coup resistance | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)
- 1990–1991 | Croatia | Croatian independence contention onset | نتيجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب، جدايي طلب
- 1990–1992 | Slovenia | Slovenian independence contention | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون) | اهداف: استقلال طلب، جدايي طلب
- 1991–1992 | Georgia | Georgian civil conflict onset | نتيجه: ناموفق | اهداف: جدايي طلب
- 1991–1995 | Bosnia | Bosnian war revolutionary contention | نتيجه: ناموفق | اهداف: استقلال طلب
- 1991–1994 | Haiti | Haitian democratic upheaval | نتيجه: ناموفق
- 1992 | Thailand | Black May 1992 | نتيجه: موفق (پيروزي اپوزيسيون)

- 1992–1993 | Peru | Fujimori autogolpe crisis contention | نتیجه: ناموفق
- 1993–1994 | Mexico | Zapatista uprising | نتیجه: ناموفق
- 1993–1994 | Russia | Russian constitutional crisis | نتیجه: ناموفق
- 1994 | South Africa | End of apartheid transition culmination | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1994–1996 | Chechnya (Russia) | First Chechen War | اهداف: جدایی طلب | نتیجه: ناموفق
- 1996–1997 | Albania | Albanian civil unrest 1997 | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1996–1997 | Congo (Zaire) | First Congo War | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1997–1998 | Indonesia | Indonesian Reformasi | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 1998 | Serbia | Serbian protest movement 1996–97 culmination | نتیجه: ناموفق
- 1998–1999 | Kosovo | Kosovo conflict contention | اهداف: جدایی طلب | نتیجه: ناموفق
- 1999 | Pakistan | Pakistan coup crisis 1999 | نتیجه: ناموفق
- 1999 | Indonesia (East Timor) | East Timor independence contention | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون) | (اهداف: استقلال طلب، جدایی طلب)

2000ها

- 2000 | Serbia | Bulldozer Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2000–2001 | Philippines | EDSA II | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2003 | Georgia | Rose Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2004 | Ukraine | Orange Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2005 | Kyrgyzstan | Tulip Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2005–2006 | Lebanon | Cedar Revolution | نتیجه: ناموفق
- 2006 | Thailand | Thai political crisis 2006 | نتیجه: ناموفق
- 2007 | Bangladesh | Bangladesh emergency crisis contention | نتیجه: ناموفق
- 2008 | Myanmar | Saffron Revolution (2007) aftermath coding | نتیجه: ناموفق
- 2009 | Iran | Green Movement | نتیجه: ناموفق
- 2009 | Moldova | April 2009 protests | نتیجه: ناموفق

ها (تا 2014) 2010

- 2010–2011 | Tunisia | Tunisian Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2011 | Egypt | Egyptian Revolution of 2011 | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2011 | Libya | Libyan Revolution / Civil War onset | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2011 | Syria | Syrian uprising onset | نتیجه: ناموفق
- 2011 | Bahrain | Bahraini uprising | نتیجه: ناموفق
- 2011 | Yemen | Yemeni Revolution | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2011 | Spain | Indignados movement (coded episode) | نتیجه: ناموفق
- 2012–2013 | Ukraine | Euromaidan / Revolution of Dignity onset | نتیجه: ناموفق
- 2013–2014 | Ukraine | Revolution of Dignity (victory phase) | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)
- 2014 | Burkina Faso | Burkinabè uprising 2014 | نتیجه: موفق (پیروزی اپوزیسیون)

Sources:

1. Beissinger, Mark R. Revolutionary Episodes Dataset (Version 1.0): 345 revolutionary episodes, 1900–2014. Princeton University.
2. Beissinger, Mark R. *The Revolutionary City: Urbanization and the Global Transformation of Rebellion*. Princeton University Press, 2022.
3. Alesina, Alberto; Ozler, Sule; Roubini, Nouriel; Swagel, Phillip. “Political Instability and Economic Growth.” *Journal of Economic Growth* 1(2): 189–211 (also NBER Working Paper No. 4173).
4. Neuenkirch, Matthias; Neumeier, Florian. “The Impact of UN and US Economic Sanctions on GDP Growth.” *European Economic Review* (2015).
5. Collier, Paul. “On the Economic Consequences of Civil War.” *Oxford Economic Papers* 51(1): 168–183 (1999).
6. Collier, Paul (World Bank document). “The risk of civil war / post-conflict dynamics” (World Bank PDF referencing Collier 1999 findings).
7. Levitsky, Steven; Lachapelle, Jean; Way, Lucan A.; Casey, Adam E. “Social Revolution and Authoritarian Durability.” *World Politics* 71(4): 557–600 (2020).
8. Grauvogel, Julia; von Soest, Christian. “Claims to Legitimacy Count: Why Sanctions Fail to Instigate Democratisation in Authoritarian Regimes.” *European Journal of Political Research* 53(4): 635–653 (2014).
9. Chenoweth, Erica; Stephan, Maria J. *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. Columbia University Press, 2011.
10. Rezaeedyakenari, Babak; Ghafouri, Vahid; Kasap, Nihat. “Who Rallies Round the Flag? The Impact of the US Sanctions on Iranians’ Attitude Toward the Government.”
11. *Foreign Policy Analysis* 21(1) (online 2024/2025).
12. Ammons, Joshua D. “Institutional Effects of Nonviolent and Violent Revolutions.” *World Development Perspectives* 34 (June 2024) 100599.
13. “Coup d’état.” *Encyclopaedia Britannica* (definition and distinction from revolution).
14. “COUP D’ÉTAT definition.” *Merriam-Webster Dictionary*.
15. “COUP D’ÉTAT definition.” *Cambridge Dictionary*.
16. Beissinger, Mark R. “The Changing Face of Revolution, 1900–2014” (event/description referencing the dataset and definition of revolutionary episode). University of Edinburgh (Dashkova Centre).

17. “Rally-Round-the-Flag and Fifth-Column Effects in Trade Sanctions.” Mershon Center, The Ohio State University.
18. “2018 Armenian Revolution (Velvet Revolution).” *Journal of Democracy* (analysis piece).
19. “2018 Armenian Revolution.” Wikipedia (background/timeline reference).
20. “Sudan: Challenge to Bashir’s Rule and the 2019 Military Coup.” *Encyclopaedia Britannica*.
21. “Sudanese Revolution.” Wikipedia (timeline reference).
22. El Kari, Mohamad. “Four years on from Lebanon’s 17 October revolution.” ICSR (International Centre for the Study of Radicalisation), 2023.
23. “Lebanon’s mass revolt against corruption and poverty continues.” *The Guardian* (Oct 2019 reporting).
24. “Protests in Lebanon... extraordinary revolt is unfolding.” *Time* (Oct 2019 reporting).
25. “The Making of Lebanon’s October Revolution.” *The New Yorker* (Oct 2019 reporting/analysis).
26. “WhatsApp tax sparks calls for ‘fall of regime’ in Lebanon.” *Axios* (Oct 2019 reporting).
27. “Myanmar protests (2021–present) / ‘Spring Revolution’ terminology.” Wikipedia (term usage reference).
28. “Myanmar’s Independence Day amnesty...” *Reuters* (context on post-coup repression and arrests).
29. “Myanmar’s Spring Revolution (special coverage).” *Global Voices*.
30. Samarasinghe, Dinesha. “The Aragalaya Protest Movement and the Struggle for Political Change in Sri Lanka.” *Carnegie Endowment for International Peace* (2025).
31. “Aragalaya (Sri Lanka protests).” Wikipedia (timeline reference).
32. EPIC (Enabling Peace in Iraq Center). “Tishreen Report” (overview of Iraq’s October 2019 protest movement and violence).
33. Amnesty International. “Iraq: Six years since Tishreen protests...” (2025).
34. “Thousands of Iraqis defy bloody crackdown...” *The Guardian* (Oct 2019 reporting).
35. “Over 300 killed... Iraqi protests...” *Time* (Nov 2019 reporting).
36. “Iraqi prime minister resigns after two months of bloody protests.” *Axios* (Nov 2019 reporting).
37. “Revolution (Q10931).” Wikidata (definition entry used for a compact definitional baseline).
38. Neuenkirch, Matthias; Neumeier, Florian. “The Impact of UN and US Economic Sanctions on GDP Growth” (working paper / repository versions).